

نماز توسل به امام زمان (ع) و معنا و مفهوم استعانت از منظر قرآن کریم

فرشته غفاری^۱

چکیده

آیات قرآن امر به استعانت از خداوند را مطرح نموده است. برخی از این استعانت‌ها حلال و مورد تایید الهی است و برخی دیگر استعانت حرام و ممنوع است که امر به نهی از آنها شده است. طبق آیه «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» باید فقط از خداوند متعال استعانت جست و فقط مستعان حقیقی است. ولی با این حال آیاتی هم وجود دارد که امر به استعانت از انبیاء و اولیاء الهی یا امور عبادی نموده است مانند آیه «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا الْكَبِيرَةُ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» این مقاله بر آن است که روشن نماید بین این آیات هیچ تناقضی وجود ندارد و خود قرآن امر به این استعانت نموده است و امر به استعانت از وسایل همان استعانت از خداوند است. این وسایل موجب تقرب به درگاه باری تعالی هستند استعانت از وسایل مجاز بوده و خود انبیای الهی نیز از آنها یاری می طلبیدند. استعانت از خداوند دارای آثار و نتایج سازنده ای است که باعث ترقی انسان می شود و در عین حال استعانت از غیر او نیز دارای آثار و نتایج مخربی است که باعث دور شدن از درگاه الهی شده و به زیان او تمام می شود. از آنجایی که استعانت منحصر به خداوند متعال است عده ای با استناد به آیه «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اشاره می کنند که استعانت جستن

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول دین قم ۰۹۱۸۶۴۲۱۵۷۸

ghafarifereshteh@yahoo.com



از غیر خدا می تواند شرک باشد. در حالی که اعتقاد ما بر این است که کمک کننده واقعی در تمامی مراحل خداوند است و انبیاء و اولیاء الهی واسطه فیض هستند، و کمک خواستن، یاری طلبیدن و استعانت جستن از آنها با استعانت و کمک خواهی از خدا منافات ندارد و شرک نمی باشد. بلکه استعانت جستن از انبیاء و اولیاء الهی در طول استعانت از خداست. این موضوع از آن جهت اهمیت پیدامی کند که در کتابهای مستقلی نوشته نشده است. هدف از انتخاب این موضوع این است که روشن نماید بین آیات استعانت از خداوند و استعانت از امام زمان (ع) هیچ تناقضی وجود ندارد و استعانت از امام زمان (ع) استعانت از باری تعالی است.

مسأله:

نماز توسل به امام زمان (علیه السلام) و تکرار آیه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) در این نماز توسل این سوال را پدید می آورد که آیا استعانت از واسطه فیض الهی امام زمان (ع) با استعانت از خداوند باری تعالی منافاتی دارد. با بررسی آیات قرآن و تبیین جایگاه توحید در استعانت و تفکیک استعانت حلال از استعانت حرام در پی پاسخ به این مسأله هستیم.

کلیدواژه:

استعانت، قرآن، توسل

استعانت:

مصدر باب استفعال از ریشه «ع و ن» در لغت به معنای کمک و پشتیبانی خواستن است. واژه هایی چون تعاون، اعانت و عون از این ماده اشتقاق یافته است. (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲، م ۵۹۸.)

قرآن:

از «قرا» به معنای خواندن است در اصل مصدر و به معنای خواندن است واژه قرآن

مخصوص کتابی است که بر حضرت محمد (ص) نازل شد. واژه قرآن اسم علم است همانگونه که تورات بر حضرت موسی (ع) به صورت اسم علم درآمده است. وجه تسمیه قرآن برای این کتاب در میان کتابهای خدا برای این است که جامع ثمرات و بهره های کتابهای دیگر است و بهره های تمام علوم در آن جمع است.

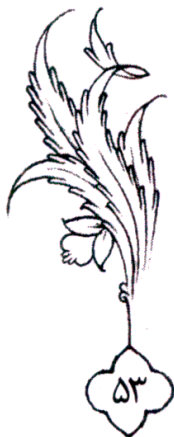
توسل:

از «وسل» به معنای نزدیکی و تقرب به خداوند متعال است. (طریحی، ۴، ۱۳۷۵)
وسیله هر چیزی است که به واسطه آن به خداوند تقرب جسته میشود مانند انجام طاعات و ترک معاصی. (کشاف، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۲۹)

مقدمه

از آنجا که انسان مخلوق است و در عین حال نیازهایی دارد این نیازها به تنهایی و بدون کمک گرفتن از دیگران میسر نمی شود بنابراین ضرورت دارد که از کسی کمک ویاری بطلبد، این کسی که از او یاری طلبیده می شود باید بالاتر و غنی تر از خود فرد باشد تا بتواند نیاز او را برآورده کند. این موجود، کسی جز ذات باری تعالی نمی تواند باشد. و از آنجا که استعانت خواهی از خداوند هم به طور مستقیم و هم غیر مستقیم امکان پذیر می باشد، استعانت خواهی مستقیم از آن مخلصین و مخبتین و آبرومندان درگاه الهی است و سایرین بایستی آبرومندی را در درگاه خداوند واسطه قرار دهند. که این واسطه ها می تواند انبیاء و اولیاء الهی و یا وسایل دیگری چون نماز، روزه و عبادت و... باشد و خود خداوند به استعانت از این ذوات مقدسه امر کرده است و فرموده است (وَابْتَغُوا إِلِيهِ الْوَسِيلَةَ) (مائده/ ۳۵) برای تقرب به درگاه الهی از ذوات مقدسه یاری بجوئید. ولی در نهایت استعانت منحصر به خداوند متعال بوده و این انبیاء و اولیاء الهی فقط، نقش واسطه را دارا هستند.

از آنجایی که استعانت منحصر به خداوند متعال است عده ای با استناد به آیه «إِلَيْكَ نَسْتَعِينُ» اشاره می کنند که استعانت جستن از غیر خدا می تواند شرک باشد. در حالی





که اعتقاد ما براین است که کمک کننده واقعی در تمامی مراحل خداوند است و انبیاء و اولیاء الهی واسطه فیض هستند، و کمک خواستن، یاری طلبیدن و استعانت جستن از آنها با استعانت و کمک خواهی از خدا منافات ندارد و شرک نمی باشد. این موضوع از آن جهت اهمیت پیدامی کند که در کتابهای مستقلی نوشته نشده است. هدف از انتخاب این موضوع این است که روشن نماید بین آیات استعانت از خداوند و استعانت از امام زمان (ع) هیچ تناقضی وجود ندارد و استعانت از امام زمان (ع) استعانت از باری تعالی است.

انواع استعانت

استعانت به معنای طلب کمک و مساعدت برای تمام کردن کاری است که کسی دیگر نمی تواند او را کمک کند. حال این کمک و مدد رسانی انواع مختلفی دارد که در ذیل به آن اشاره می شود:

۱. استعانت حلال و مباح:

عبارت است از یاری خواستن از خداوند متعال در همه امور مادی و معنوی و دنیوی و اخروی. و همچنین یاری خواستن از غیر او که به اذن خداوند انجام می گیرد. در صورتی که ما غیر او را، در این یاری خواستن مستقل ندانیم این استعانت، حلال و مجاز است. و اگر ما از غیر خدا استعانت می جوئیم به این دلیل است که خود خداوند امر به استعانت از دیگران کرده است. آیه می فرماید: (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) «مائده/۲» و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید. این نوع استعانت، امری مطلوب و مورد ترغیب و تشویق شریعت است. به نمونه هایی از این نوع استعانت اشاره می شود:

۱. استعانت از خداوند

از آنجایی که خداوند آفریننده تمام هستی است و از هر چیزی بی نیاز است ایجاب می کند که از او استعانت بجوئیم.

آیه می فرماید: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد/۵) (پروردگارا!) تنها از تو یاری می جوئیم. استعانت از خداوند متعال فقط به عبادتش منحصر نمی شود اگر چه مدد خواهی از او بلافاصله بعد از هر عبادت آمده است «ایاک نعبد و ایاک نستعین» اما یاری جستن از خداوند فقط در عبادت او انحصار پیدا نمی کند بلکه منظور از انحصار استعانت از خداوند در مطلق امور است و این عمومیت استعانت علاوه بر آیه ۵ حمد از آیات زیر فهمیده می شود: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا الْكَبِيرَةُ الْإِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵) و یاری جوئید از خدا به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان فروتن.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳) ای اهل ایمان، (در پیشرفت کار خود) از صبر و مقاومت کمک گیرید و به ذکر خدا و نماز توسل جوئید که خدا با صابران است. در هیچ یک از این آیاتی که اشاره شد متعلق استعانت بیان نشده است. هم چنین در تفسیر کشاف اشاره شده که: استعانت به صورت مطلق آمده است تا شامل هر آن چیزی شود که درباره آن باید استعانت جست و در آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بهتر آن است که معنای عبادت این باشد که مراد با انجام پرستش و استعانت به توفیق و عنایت الهی انجام پذیرد. (کشاف، ۱۴۰۷، ۱، ص ۱۵)

۲. استعانت از صبر و نماز

یکی از وسایلی که خداوند امر به استعانت از آنها کرده است، صبر و نماز است. خداوند می فرماید:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا الْكَبِيرَةُ الْإِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۴۵) از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید)؛ و این کار، جز برای خاشعان، گران است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳) ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با





صابران است. از صبر و نماز برای کارهای مهم و حوادثی که در زندگی روزمره برایتان پیش می آید کمک بگیرید این جمله به این معناست که در حقیقت، یاوری به جز خداوند سبحان وجود ندارد، اوست که انسان را در هر زمانی یاری می رساند. انسان در سختی هایی که برایش پیش می آید از خود مقاومت و خویشتنداری نشان داده و با این استقامت ارتباط خود را به خداوند وصل می نماید، و از صمیم دل، متوجه او می شود. و به سوی او روی می آورد این همان صبر و نماز است. این دو بهترین وسیله برای پیروزی انسان است. زیرا صبر، هر سختی را آسان می کند و نماز که توجه به خداوند است روح ایمان را تازه می سازد و به انسان می فهماند که به جایی تکیه دارد که او ازلی است. و به وسیله ای متوسل شده، که گسستنی و پاره شدنی نیست. (موسوی همدانی، ۱، ص ۲۲۸) صبر از سخت ترین اعمالی باطنی و نماز از سخت ترین اعمال ظاهری است. (مراغی، ۱، ص ۲۰۷)

این دو آیه انسان را به دو اصل سفارش می کند، یکی اتکا به نفس و خود باوری است که تعبیر به صبر شده است و دیگری اتکا به خداوند متعال که نماز مظهر آن است. نماز از بزرگترین عبادت هایی است که قرآن بسیار بر آن تأکید کرده است.

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت، ۴۵) آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید!

وقتی که انسان در برابر سختی ها و مشکلات قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آن مشکلات ناچیز می بیند نیاز به تکیه گاهی پیدا می کند که از هر جهت نامحدود و بی انتهاست. برای پیروزی بر مشکلات بوجود آمده او نیاز به دورکن اساسی دارد: یکی پایگاه نیرومند درونی و دیگری تکیه گاه محکم بیرونی است. (مکارم

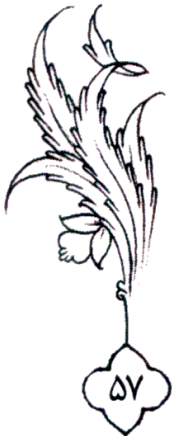
از امام صادق (ع) روایت شده است که: «کان علی (ع) اذا اهاله امر فرزع قام الى الصلاه ثم تلا هذه الايه واستعينوا...»

هنگامی که مشکلی مهم برای امام علی (ع) پیش می آمد به نماز برمی خواست و سپس این آیه «استعينوا بالصبر والصلاه» را می خواند. (کلینی، فروع کافی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۸۰) عیاشی از عبدالله بن طلحه از امام صادق (ع) روایت کرده است که منظور از صبر، روزه است.

(عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷) هم چنین از امام علی (ع) روایت شده که صبر، همان روزه است و فرموده هر وقت حادثه ای برای کسی پیش آمد روزه بگیرد تا خداوند آن مشکل را برطرف سازد زیرا خداوند در آیات امر فرموده است. (کلینی، همان، ج ۴، ص ۶۳) علت اینکه منظور از صبر، روزه است این است که خداوند روزه را در قرآن صبر خوانده است. «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا» (انسان/ ۱۲) به پاداش صبری که کرده اند پاداششان را بهشت و حریر داد. منظور از «صبروا» در آیه یعنی «صاموا» روزه گرفتند. تا با نماز مناسب باشد. (ابوالفتوح رازی، ۱، ص ۵۵) صبر یعنی شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه که عقل و شرع حکم می کند و آن را می طلبد یا آنچه که عقل و شرع، خودداری نفس از آن را، اقتضا می کند. پس صبر و شکیبایی عام است. روزه از آن جهت صبر نامیده شده است که روزه نوعی خویشتن داری است. (راغب، ۴۷۴)

۳. استعانت از قرآن کریم

یکی دیگر از وسایلی که شریعت، توسل و استعانت به آن را، وسیله ای برای تقرب به خداوند متعال معرفی کرده است همان توسل و استمداد به تلاوت قرآن کریم است. در حقیقت این نوع توسل و استعانت همان توسل به خود خداوند است که باعث گشایش هر مشکلی می شود زیرا قرآن کریم همان کلام خداست که بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است. با این وجود، شایسته است که به قرآن به عنوان وسیله الهی متوسل شویم. (سبحانی، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، ۲۲۹) خداوند می فرماید: «...وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ



تَرْتِيلاً (مزمّل/ ٤) به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش.

سیاق آیات قبل، درباره نماز شب و عبادت شبانه است همان طور که نماز وسیله ای برای استعانت از خداوند است بنابراین قرآن نیز می تواند وسیله ای برای تقرب به درگاه الهی باشد. بسیاری از روایات نیز مشروعیت این عمل را ثابت می کنند. از جمله احمد بن حنبل روایت کرده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «إِقْرُوا الْقُرْآنَ وَأَسْأَلُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ قَبْلِ أَنْ يَجِيءَ قَوْمٌ يَسْأَلُونَ بِه النَّاسِ» قرآن را تلاوت کنید و بوسیله آن خداوند تبارک و تعالی را بخوانید پیش از اینکه گروهی بیایند که بوسیله آن مردم را می خواندند» (ابن حنبل، ٤، ص ٤٤٥) این روایت می رساند که درخواست و سؤال کردن از چیزهایی که نزد خداوند منزلت و کرامت دارد، جایز است قرآن یکی از این وسایل است.

٤) استعانت از امام زمان (ع)

امام زمان از آبرومندان درگاه الهی است و برای استعانت از خداوند بایستی از آبرومندی امام زمان در درگاه خداوند بهره جست و او را واسطه قرار داد. خداوند به استعانت از این ذوات مقدسه امر کرده است و فرموده است (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) (مائده/ ٣٥) برای تقرب به درگاه الهی از ذوات مقدسه یاری بجویید. ولی در نهایت استعانت منحصر به خداوند متعال بوده و این انبیاء و اولیاء الهی فقط، نقش واسطه را دارا هستند.

از آنجایی که استعانت منحصر به خداوند متعال است عده ای با استناد به آیه «إِلَيْكَ نَسْتَعِينُ» اشاره می کنند که استعانت جستن از غیر خدا می تواند شرک باشد. در حالی که اعتقاد ما بر این است که کمک کننده واقعی در تمامی مراحل خداوند است امام زمان (ع) واسطه فیض هستند، و کمک خواستن، یاری طلبیدن و استعانت جستن از ایشان با استعانت و کمک خواهی از خدا منافات ندارد و شرک نمی باشد.



۵. استعانت از بهشتیان

اهل جهنم اهل بهشت را ندای می زنند که از آنان آب بگیرند و یا از چیزهایی که خداوند روزیشان کرده به آنها هم بدهند. آنگاه جوابی که می شنوند این است که خداوند این دورا، بر کافران حرام دانسته است. این استعانت آنان، استعانتی بی حاصل است. آیه می فرماید: «وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ» (اعراف/۵۰) اهل دوزخ از بهشتیان تنها استعانت از آب را نمی کنند بلکه تقاضای همه نعمتها را دارند. البته اگر از میان همه نعمتها آب را به کار برده است و آنگاه بقیه نعمتها را به آن عطف کرده است از این جهت است که برای دوزخیان و مبتلایان به آتش دوزخ، آب از هر چیز دیگری ضروری تر است. (موسوی همدانی، ۸، ص ۱۶۶-۱۶۵) ولی جوابی که بهشتیان به آنان می دهند این است که خداوند آب و طعام را بر آنان حرام کرده است. (طبری، ۸، ص ۱۴۳)

استعانت های حرام و ممنوع:

عبارت است از کمک گرفتن از چیزی یا کسی در کارهای حرام. مانند: استعانت بر ساختن شراب و کارهای حرام دیگر که شرع آنها را مذموم دانسته است و استعانت در آنها هم، حرام است. خداوند می فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲) و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است! استمداد از غیر خداوند، در صورتی که آن غیر، دارای قدرت و تاثیر مستقل و در عرض خداوند باشد، امری حرام و ممنوع شمرده می شود.

نمونه هایی از استعانت حرام

۱. استعانت از شیطان

گناهکاران در قیامت با ناله و نفرین به فکر می افتند، تا گناه خود را به دوش شیطان



بیندازند ولی شیطان هم گمراهی و انحراف او را، معلول اراده خود فرد گناهکار می داند و به مجرمان می گوید:

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم/ ۲۲) و شیطان، هنگامی که کار تمام می شود، می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر!» مسلمانان ستمکاران عذاب دردناکی دارند!

سیاق آیات قبل، اینگونه است که می گوید در روز قیامت افراد ضعیف از بزرگان استکبار، درخواست می کنند که از گناهان آنان بکاهند ولی سران کبردر جواب می گویند اگر خداوند در دنیا ما را توفیق هدایت داده بود ما هم حتما شما را هدایت می کردیم ولی الان چاره ای جز صبر نداریم. و در این آیه شیطان خود را تبریه می کند و خود فرد را مقصر اصلی نافرمانی از خدا می داند و می گوید: من همین وسوسه ها و دعوتها را نسبت به بعضی مؤمنان داشتم ولی آنها قوی بودند و هوشیار و متذکر می شدند و از من پیروی نمی کردند شما هم می توانستید مانند آنان باشید.

۲- استعانت از بت ها

مشرکان از بت هایی که به عنوان خدا انتخاب کرده اند استعانت می طلبیدند اما دریغ از اینکه از آنها جوابی بشنوند. خداوند می فرماید:

«وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ» (اعراف/ ۱۹۷) و

آنهایی را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری



دهند؛ هدف بت پرستان یاری جستن از بت هاست ولی این آیه آن را رد میکند. خود
 و تهایی که شما آنها را می پرستید حداقل باید خود، از حوادث روزگار مصون باشند
 ولی اینگونه نیست. معبود های شما فاقد شعور و اراده و قدرت هستند و نمی توانند
 خود را اداره کنند چه برسد به شما که بخواهند به استعانت شما پاسخ بدهند بنابراین
 چنین معبود هایی شایسته پرستش نیستند. (قرآنی، ۴، ۱۳۶۰، ص ۲۵۳)

خداوند می فرماید: «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ
 وَلَا تَحْوِيلًا» (اسرا ۵۶/)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید، بخوانید! آنها نه می توانند
 مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.»

اسباب و وسایل استعانت

همانگونه که در مفهوم شناسی گفته شد وسیله چیزی است که موجب رسیدن به
 مقصد میشود به عبارت دیگر وسایل، واسطه تقرب هستند. انسان در هر مقامی که
 هست نیازمند فردی است که آن فرد بتواند نیاز او را در همان بعد، برآورده سازد. بنابراین
 نیاز انسان به انسانهای دیگر، محدود است زیرا وابسته به خداوند متعال است و هیچ
 سهمی از استقلال ندارد از این رو در همه شئون و هستی خود، نیازمند خداوند متعال
 است و خداوند نیاز او را برآورده می سازد چون بی نیاز مطلق است و انسان در هر حال
 به او نیازمند است. بنابراین باید فقط از خداوند استعانت جست. ولی همین خداوند
 امر فرموده است که در توسل و استعانت از او، به وسایلی تمسک بجویند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...» (مائده/ ۳۵)

ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویند. از طرف دیگر انسان
 موجودی فقیر و نیازمند آفریده شده است و هر فقیری هم نیازمند به کمک است تا
 از راه کمک خواهی از دیگران و کمک کردن کردن به او، نیازهایش را برطرف سازد.
 همین نیازهاست که انسانها را به یکدیگر نزدیک کرده و آنها را به هم پیوند می دهد





و همین پیوند سبب می شود تا هرانسانی به میزان استطاعتی که خداوند به او داده است نیاز طرف مقابل را برآورده کند خواه این نیاز مادی باشد یا معنوی. دلیل اینکه چرا باید از وسایل استعانت جست این است که خود خداوند امر کرده است آیه فوق به آن اشاره نمود و این امر الهی به استعانت از وسایل، هیچ منافاتی با حصر استعانت از خداوند ندارد و استعانت از وسایل همان استعانت از خداوند است. در اینکه مصداق این وسیله در آیه مزبور چه چیزی هست در نورالثقلین آمده است که منظور از «وسیله» همان وجود مقدس معصومان بویژه اهل بیت پیامبر (ص) است به طوری که در معنای «وسیله» از پیامبر (ص) نقل شده که منظور از وسیله، امامان از فرزندان امام حسین (ع) هستند. کسی که از آنان اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و کسی که از فرمان آنان سرپیچی کند خداوند را نافرمانی کرده است آنان عروه الوثقی و وسیله به سوی خداوند متعال هستند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۱، ص ۶۲۶)

استعانت انبیاء الهی از اسباب و وسایل

همانطور که انسان مجاز به استمداد و استعانت از وسایل است انبیاء نیز مجاز به این استعانت هستند که به نمونه هایی از این موارد اشاره می کنیم:

۱. استعانت حضرت موسی (ع)

حضرت موسی (ع) همکاری برادرش هارون (ع) را از خداوند متعال درخواست می کند. «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي» (طه/ ۲۹) حضرت موسی (ع) از پروردگارش درخواست می کند که از خاندانش وزیری برایش قرار دهد می گوید: منظورم از وزیر، هارون برادرم می باشد تا در امر رسالت مرا یاری کند. خداوند هم به اجابت این استعانت حضرت موسی (ع) جواب مثبت می دهد. «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مَوْلًى فَاتَّخِذْ آلَ هَارُونَ أَهْلَكَ وَابْتِعْ مَوْلًى فَاتَّخِذْ آلَ هَارُونَ أَهْلَكَ» (قصص/ ۳۵) فرمود: «بزودی بازوان تورا بوسیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می دهیم؛ و

به برکت آیات ما، بر شما دست نمی‌یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید!»

۲. استعانت حضرت لوط (ع) از قوم خود

حضرت لوط (ع) از قوم خودش استعانت خواست. حضرت فرمود: آیا در میان شما مردی هست که رشید باشد و عمل به معروف و نهی از منکر کند و مردم را از این کار زشت باز دارد. «وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (هود/۸۷) قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند و قبلا کارهای بد انجام می‌دادند - گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه‌ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم‌پوشید!) از خدا بترسید؛ و مراد در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» حضرت لوط (ع) وقتی هجوم قوم خود را برای عمل زشت، ملاحظه کرد فرمودند: «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» آیا يك مرد رشید یافته در میان شما نیست؟ حضرت از قوم خود خواست تا او را کمک کنند تا او و میهمانانش را از شر افراد ظالم نجات دهند فرمود: آیا کسی هست که اینان را به حق هدایت کند و از راه زشت باز دارد؟ زیرا حرف حضرت در آنها اثری نداشت آن مردم آن قدر منحرف شده بودند که مصداق کلام خدای تعالی شده بودند که فرموده: «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر/۷۲) به جان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی و به حیرت و غفلت و گمراهی خواهند بود.

۳. استعانت حضرت عیسی (ع) از حواریون

«فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۵۲) چون عیسی دریافت که به او ایمان نمی‌آورند، گفت: چه کسانی در راه خدا یاران منند؟ حواریان گفتند: ما یاران خداییم. به خدا ایمان آوردیم. شهادت ده که ما تسلیم هستیم.



هنگامی که حضرت عیسی (ع) کفر بنی اسرائیل و عناد و آزار و اذیت و استهزاء آنها را دید دریافت و فهمید که قصد کشتن او را دارند و حضرت از ایمان آوردن آنها ناامید شد و به آنان کرد و فرمود: کیست که مرا در عبودیت خدا و یا در تقوا و یاری رساندن دین الهی کمک رساند؟ حواریون در پاسخ حضرت (ع) عین در خواست او را به زبان آوردند و گفتند مائیم انصار خداوند، و ما به خداوند ایمان آوردیم و شاهد باش بر اینکه ما تسلیم شدگانیم. (مراغی، ۳، ص ۳۲۲-۳۲۱)

۴. استعانت ذوالقرنین از مردم

ذوالقرنین از مردم طلب استعانت کرد: «قَالَ مَا مَكْنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا» (کهف/ ۹۵)

(ذوالقرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سد محکمی قرار دهم! مردم به ذوالقرنین پیشنهاد دادند تا مالی را جمع کنند و سدی در مقابل یأوج و مأوج بسازند. ذوالقرنین پیشنهاد مال را نپذیرفت و گفت آنچه را که خداوند به من ارزانی کرده است (منظور همان نیرو و قدرتی است که خداوند به حضرت عطا کرده است) از مالی که شما پیشنهاد می دهید ارزشمندتر است و من به آن احتیاج ندارم ولی برای پیشنهاد ساختن سد، باید مرا کمک انسانی دهید. و از لحاظ نیروی انسانی و مصالح و... مرایاری کنید (فضل الله، ۱۴، ص ۳۹۰)

۵. استعانت حضرت یوسف (ع) از هم بند آزاد شده

«وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ» (یوسف/ ۴۲)

و به آن یکی از آن دو نفر، که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرانزد صاحبت [= سلطان مصر] یادآوری کن!» ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد؛ و بدنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند.



حضرت یوسف (ع) به دوستش که در زندان بود و فهمید که از زندان آزاد می شود گفت وقتی که آزاد شدی سفارش من را هم به پادشاه بکن. از آنجا که خدا را فراموش کرده و از غیر او (زندانی آزاد شده) یاری خواست ملائکه بر او نازل شد و به حضرت فرمود: هفت سال در اینجا خواهی ماند. حضرت فرمود آیا خداوند از من راضی می شود؟ ملائکه فرمود: بله - خداوند از تو راضی می شود. حضرت فرمود: اگر این هفت سال، هفتاد سال باشد تحمل می کنم. (ابوالفتح رازی، ۱۱، ص ۸۱)

توحید در استعانت

انسان موحد همواره بر آن است که جلوه های توحید را در لفظ و مفهوم محدود ننماید بلکه همه شئون اعتقادی، اخلاقی و عملی خود را رنگ توحیدی ببخشد اگر انسان امروز به بن بست رسیده است دلیلش همان استعانت از قدرتهای خیالی است که مانند سراب، انسانی را که تشنه حقیقت است به یأس و ناامیدی سوق می دهد و روز به روز او را مایوس تر می کند چنانکه در قرآن آمده است: «وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ» (هود/۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرارسید، معبودانی را که غیر از خدا می خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند!

یکی از اموری که انسان را از این سرخوردگی نجات می بخشد شناخت حقیقت استعانت و رسیدن به مرتبه توحید در استعانت است که منشأ آثار مثبت و سازنده ای در روح انسان و در زندگی فردی و اجتماعی او می باشد. توحید در استعانت که تمامی امور انسان را در بر می گیرد، جایی برای غیر خدا باقی نمی گذارد. چرا که غیر خدا نمی تواند معین و یاور باشد. اگر کسی هم بتواند معین و مدد رسان باشد باز هم از خداوند سرچشمه گرفته است. که آن هم عین توحید است. در واقع توحید در استعانت همان





دست یافتن به تکیه گاه محکمی است که فنا و نابودی در آن راه ندارد و در او نشانی از ضعف و نقص نیست و این همان به همه چیز رسیدن و به همه چیز راه یافتن است. توحید از ماده وحدت به معنای انفراد در ذات و صفت و فعل است. (مصطفوی، ۱۳، ۱۳۶۰، ص ۴۸) توحید از «وحد» به معنای انفراد است. واحد در حقیقت چیزی است که هیچ جزیی برای او نیست. (راغب، ۸۵۷) توحید در استعانت یعنی اینکه فقط از خداوند متعال استعانت طلبیده شود. (ایاک نستعین) زیرا او مستعان حقیقی و واقعی است و غیر او همه نیازمند و فقیرند. او غنی و بی نیاز است. این حصر استعانت، حجت توحید افعالی است یعنی اینکه انسان برای انجام عبادت نیز باید از خداوند طلب استعانت نماید تا خداوند به او توفیق بر عبادت بهتر را عطا نماید. قبلا بیان شد که فقط خداوند مستعان واقعی است و دیگران هم اگر می توانند به انسانهای دیگر یاری رسانند صرفاً به خاطر توانایی و قدرتی است که خداوند به آنان عطا کرده و هیچ کدام در این یاری رسانی مستقل نیستند بلکه وابسته به فیض خداوند متعال هستند. و این استعانت از غیر هیچ تنافی با توحید در استعانت ندارد زیرا همانطور که بیان شد انسان قدرت و نیروی خود را در مدد رسانی مستقل از خداوند نمی دانند که بگوئیم این استعانت از غیر منافاتی با توحید در استعانت داشته باشد. با توجه به نیازمندی مطلق انسان به خداوند متعال می توان گفت که استعانت از خداوند برای انسان اولاً که لازم و ضروری است و ثانیاً اینکه برای انسان کمال محسوب می شود. متعلق استعانت شامل همه شئون خداوند است و اینکه هر چیزی که از انسان صادر می شود همه به خداوند متعال باز می گردد و پاسخی که از خداوند به فرد استعانت کننده بر می گردد همه از فیض خداوند متعال است. (جوادی-آملی، استعانت به صبر و نماز، ۱۳۸۸، ص ۳۳۴، ص ۱۱)

در استعانت از خداوند متعال، بر انسان واجب است که در هر کسب و کاری فقط از او یاری بطلبد و اگر خداوند به انسان حسن تدبیر و خود رأیی داده است به این معنی نیست که انسان را از خداوند بی نیاز کند. استعانت به این معنا، مترادف با توکل به

خداست. این همان کمال توحید و عبادت خالص خداوند است هر کس با خداوند باشد بنده خاضع و خدا ترس است. (مراغی، ۱، ص ۳۵-۳۴)

حصراستعانت در استعانت از خداوند

حصراستعانت در خداوند یعنی اینکه فقط از او طلب کمک شود. حصراستعانت از خدای سبحان همانند حصراعبادت در آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» تخصیص ناپذیر است زیرا هر چه برای رفع نیاز مورد استفاده قرار می گیرد همه از شئون فاعلیت خداوند متعال است. (جوادی آملی، تسنیم، ۱، ص ۴۴۲) آیه می فرماید:

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جوئیم.

ایاک نستعین یعنی استمداد و استعانت طلبیدن از خداوند برای توفیق یافتن بر عبادت بیشتر و بهتر است که به نحو احسن و خالص تر انجام گیرد. (خوئی، ۱۳۸۴، ص ۶۶۵) «ایاک نعبد» دلیل توحید در عبادت است و «ایاک نستعین» دلیل توحید افعالی است خداوند بهره مؤمن را در این آیه قرار داده است تا اگر انسان معرفتی را بدست آورد به خودش مغرور نشود و بفهمد که اگر توفیق و قدرت و توانایی و یاری خداوند نبود هیچ کاری از او ساخته نبود و خودش هم آفریده نمی شد تا چه رسد به این که بتواند کاری انجام دهد. «ایاک» بردو فعل «نعبد» و «نستعین» مقدم شده است و این نشانگر انحصار است به این معنا که خدایا تنها تو را می پرستم و تنها از او استعانت می طلبم. تکرار مفعول برای تخصیص استعانت به معین حقیقی و واقعی است.

ایاک نستعین بیان این حقیقت است که خدایا توفیق و یاری بر پرستش و بندگی ات را تنها از تومی خواهم. توفیق به معنای فراهم کردن اسباب چیزی است که در پیدایش به آنها نیاز هست. از این رو نمی توان گفت کسی که دیگری را در کاری یاری می رساند به او توفیق داده است چرا که او توانسته است فقط یک یا تنها قسمتی از کار فراهم کند. و فراهم کردن همه اسباب و مقدمات از حیطة قدرت انسان ها خارج است و فقط در



انحصار خداوند قرار گرفته است. به همین دلیل تنها خداوند متعال است که باید از او توفیق خواست. (ترجمه مجمع البیان، ۱، ص ۷۰-۷۱)

عدم منافات استعانت از غیر خدا با توحید در استعانت

انسان موحد همانگونه که جز خدا را نمی پرستد در زندگی دنیوی و اخروی خود نیز نباید جز خداوند متعال یاری بطلبد از این رو است که خداوند توحید در استعانت را به توحید در عبادت عطف می کند و مسلمانان را فرمان می دهد که در نمازهای ۵ گانه خود «ایک نعبد و ایک نستعین» را بر زبان آورند. این حصر استعانت در خداوند ایجاب می کند که انسان از غیر خداوند مدد نجوید و خود را معین و مدد کار کسی هم نپندارد زیرا تنها او مستعان است. خداوند می فرماید: «وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف/۱۸) و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گوئید، از خداوند یاری می طلبم!» آیات استعانت از یک سو انسان را بر این، امر می کند که جز از خداوند استعانت نجویند. و از سوی دیگر، برخی آیات قرآن دستور به این داده اند که یکدیگر را یاری و مدد رسانید و دستور به استعانت از وسایل را می دهند. «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا الْكَبِيرَةُ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره/۵۵)؛ از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید)؛ و این کار، جز برای خاشعان، گران است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳)

ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. ممکن است این توهم پیش آید که هم مدد جویی و مستعین شدن جایز است و هم مدد کاری و مستعان بودن. به عبارت دیگر انسان هم می تواند مستعین باشد و هم می تواند مستعان باشد. آیه می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى



...» (مائه ۲/ و) (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! سوالی که مطرح می شود این است که آیا این حصر استعانت در خداوند، با استعانت از غیر تنافی دارد؟ پاسخی که به این سؤال داده می شود منفی است. با توجه به توحید افعالی، همه کارهای نیک نیکوکاران از آن خداوند است و همه فاعلها از درجات و شئون فاعلیت او سرچشمه می گیرند. خداوند متعال همانطور که غذا و آب را آفرید و به آنان خاصیت سیرو سیراب کردن را داد، انسان مدد کار را نیز آفرید و به او توان کمک رسانی و گره گشایی از مشکلات مردم را داد در حقیقت این انسان نشانه خداوند است و کارهای او همه از خداوند سرچشمه می گیرد و همانطور که گفتیم هیچ معینی در استعانت، مستقل نیست و کسی که توفیق کارهای خود را دارد باز هم باید خود را نشانی از ذات الهی بداند. از آنجا که جهان را خداوند اداره می کند این استعانت از غیر، هیچ منافاتی با حصر استعانت در خداوند متعال ندارد بنابراین دیگر نمی توانیم این سخن را بگوئیم که آیه «ایاک نستعین» در مورد عبادت است و آیه «تعاونوا علی البر و التقوی» در مورد مسائل اجتماعی است. (جوادی آملی، تسنیم، ۱، ص ۴۴۵-۴۴۴)

در اصل استعانت و استمداد، علمای تعلیم و تربیت و علمای اخلاق معتقدند که انسان باید اعتماد به خود داشته باشد، اعتماد به غیر و استعانت از آنها، انسان را موجودی ضعیف و متکی به دیگران به بار می آورد برخلاف اعتماد به نفس که نیروی انسان را نیرومند می کند. طبق این اصل باید به خود متکی بود و نه غیر، اعم از اینکه آن غیر خدا باشد یا غیر خدا. به همین دلیل علمای امروز توکل را که اعتماد به خداوند است و موجب سلب اعتماد از خود است نفی می کنند. این چگونه قابل حل است؟ پاسخی که می دهیم این است که اینگونه نیست که هرگونه استعانت از غیر خداوند و اعتماد به غیر قبیح باشد بلکه خداوند انسان را موجودی نیازمند به غیر، خلق کرده است. یعنی جامعه انسانها اینگونه است که هر کسی به دیگری محتاج است. در اسلام امر به تعاون و همکاری شده است و آیه قرآن آن را تصریح می کند.



«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (مائده/۲)

(همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!

این آیه نمایانگر این حقیقت است که اگر استعانت از غیر، در هیچ موردی جایز نبود خداوند امر به تعاون نمی کرد. آیه می رساند که شما به یکدیگر محتاج هستید و لذا بایستی یکدیگر را یاری کنید.

جمله «ایاک نستعین» نمی گوید که انسانها نباید از دیگران استعانت بجویند بلکه این را می رساند که اعتماد نهایی انسان باید به خداوند متعال باشد و آنچه از آنها استعانت می جوید به عنوان وسیله بداند. و بداند که حتی خودش، نیرو و قوامش همه وسائل هستند که خداوند آفریده و در اختیار شما قرار داده است. گاهی انسان در دنیا به وسایلی اعتماد کرده ولی به مرور زمان می بیند که آن وسایل به جای آنکه آنان را یاری رساند هیچ کمکی به او نمی کند در حالی که اگر انسان به خداوند تکیه می کرد می دید که او بهترین یاور و مدد رسان در رسیدن به اهدافش است. (مطهری، ص ۱۰۸-۱۰۷)

هر جا که خداوند کمک خواستن از غیر را جایز بداند و ما هم این کار را انجام دهیم مانند این است که از خداوند استعانت کرده ایم اطاعت از کسانی که او واجب کرده، اطاعت از خود خداوند است. استعانت از غیر چون خدا فرمان داده است استعانت از اوست و خداوند جهان را خلق کرده است و اسباب مسببات را نیز خودش خلق کرده است و ارتباطی هم بین اسباب و مسببات قرار داده است و به انسانها دستور داده که برای رسیدن به مسببات، اسباب را به کار گیرند. این استعانت از اسباب همان استعانت از خداوند است. خداوند می فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا» (کهف/۸۳) و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می کنند، پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند. «إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کهف/۸۴) ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم و از هر چیزی رشته ای به



دست او دادیم. «فَاتَّبِعْ سَبِيًّا» (کهف. ۸۵) او هم رشته‌ای را پی گرفت.

در این آیات آمده است که: ای پیامبر (ص) از تو درباره ذوالقرنین می پرسند بگو گوشه ای از سرنوشت او برایتان بازگویی کنم ما به او در زمین قدرت و اختیار حکومت دادیم و وسایل هر چیزی را در اختیار او قرار دادیم او هم سبب را پیگیری کرد و از وسایل خداوند استفاده نمود. توحید در استعانت با دلایل عقلی و نقلی اثبات می شود از جمله دلایل عقلی می توان به صفات خداوند متعال اشاره کرد، صفاتی چون علم، قدرت، ربوبیت، بی نیازی، و رحمت و... است که این صفات می رساند که خداوند متعال تنها مستعان حقیقی است و باید فقط او را مستعان دانست و از دلایل نقلی نیز می توان به آیات و روایاتی که اشاره شد استناد نمود.

جلوه های گوناگون استعانت از خدا

استعانت و توسل از دیگران به شکل های گوناگون بروز و ظهور می کند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دعا:

دعا بیانگر حقیقت استعانت است که از آن جمله می توان به آیات زیر اشاره کرد: «وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْ نَارَ رَبَّنَا أَنْفِرْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ» (اعراف/ ۱۲۶) انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش هنگامی که به سراغ ما آمد ایمان آوردیم. بارها! صبر و استقامت بر ما فروریز! (و آخرین درجه شکیبائی رابه ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران! «وَلَقَدْ نَادَانُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» (صافات/ ۷۵) و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده ای هستیم! بنابراین می توان گفت که یکی از راههای استعانت از خداوند متعال دعا و ندا کردن است.



۲- استعاذه:

یکی دیگر از اموری که می تواند بیانگر استعانت باشد، استعاذه است. استعاذه از ماده «عوذ» به معنای پناه بردن و تکیه دادن به چیزی در برابر شری که با آن مواجه است به کار برده می شود. (راغب، ۵۹۴) استعاذه درخواست یاری برای دفع شر است و تنها از خداوند طلب می شود به بیان دیگر استعاذه همان حقیقت استعانت است با این تفاوت که استعانت طلب خیر است و استعاذه برای دفع شرور به کار می رود. چنانکه در قرآن به پیامبر (ص) امر می شود که از ذات الهی در مورد شیطان استعاذه بجویند. «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل/۹۸) هنگامی که قرآن می خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بریا از زبان حضرت موسی (ع) نقل می شود که از این که در زمره جاهلان قرار گیرد به خداوند متعال پناه برد. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَنْتَخِذْنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (بقره/۶۷) و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تازنده شود و قاتل خویش را معرفی کند؛ و غوغا خاموش گردد.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم!»

۳. استغاثه:

یکی دیگر از اموری که می تواند بیانگر استعانت باشد استغاثه است. استغاثه از ریشه «غوث» یعنی درخواست نصرت و فریاد رسی است. «غوث» در اصل نجات دادن از ابتلاء و محنت و قرار دادن شخص در پناه خود است. «غوث» استمداد در حال شدت و محنت است. (زکریا، ۴، ص ۴۰۰) آیه به جنگ بدر اشاره می کند می فرماید: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال/۹) (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمک



می خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سرهم فرود می آیند، یاری می کنم.

مجاهدان جنگ بدر آن هنگام که به درگاه خداوند استغاثه کردند خداوند با امدادهای غیبی آنان را کمک کرد و در روایات هم این تعبیر آمده است. «یامغیث من استغاثه» ای فریادرس استغاثه کنندگان. (مجلسی، ۹۴، ص ۳۸۸)

مغیث از اسمای خداوند است کسی که به خداوند متعال استغاثه می کند خداوند هم به او پاسخ می دهد. از مجموع آیات و روایات می توان فهمید که باید از خداوند استعانت جست و به او استغاثه کرد.

آثار و نتایج استعانت از خدا

یاری طلبی از خداوند و استمداد از او، پرستش او و بریدن از همه علل و اسباب ظاهری و روبرو به درگاه خداوند آوردن است. این استعانت از خداوند متعال آثار و نتایجی رانصیب فرد مستعین می کند که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

۱. اجابت و پاسخگویی

یکی از آثاری که استعانت از خداوند دارد اجابت و پاسخگویی خداوند به فرد مستعین است. قرآن کریم از قول خداوند می فرماید: هرگاه بندگان، نیاز خود را به سوی خداوند بی نیاز ببرند، بدون شک پاسخی دریافت خواهند نمود.

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶) و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! «ادعونی استجب لکم...» (غافر/۶۰) مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم. علاوه بر آیات، روایات نیز خداوند را یاور هر مستعینی معرفی کرده و پاسخ و اجابت را حتمی دانسته اند. یکی



از اسمای الهی مستعین و مستغیث است.

«یاعون کل مستعین» ای یاور هر استعانت کننده. (مجلسی، ۵۱، ص ۳۰۴) «یا معین من استغاثه و یا مغیث من استغاثه» ای یاور و فریادرس استغاثه کنندگان. (همان، ۹۴، ص ۳۸۸)

۲. برخورداری از امداد غیبی

آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که بیانگر این واقعیت است که خداوند برای اجابت و پاسخگویی آماده است و درخواست کنندگان را از سختیها نجات می دهد در جریان جنگ بدر، خداوند استغاثه مجاهدان را با فرستادن هزاران فرشته اجابت کرد. «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ» (انفال / ۹)

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر)، از پروردگارتان کمک می خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سرهم فرود می آیند، یاری می کنم.

۳. وراثت زمین یا حاکمیت

حاکمیت مؤمنان بر روی زمین در گرو استعانت آنان از خداوند و صبرایشان در طریق ایمان است که از داستان حضرت موسی (ع) بدست می آید. آیه می فرماید: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف / ۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

در آن هنگام که فرعون در سرکوبی بنی اسرائیل مصمم شد حضرت موسی (ع) قوم خود را بر قیام و شورش علیه فرعون برانگیخت و آنان را به استمداد و استعانت از خداوند در رسیدن به هدفشان که همان رهایی از اسارت و بندگی فرعون بود توصیه کرد. و آنان را به استعانت از صبر در برابر شدائدی که فرعون برای آنها در نظر گرفته بود

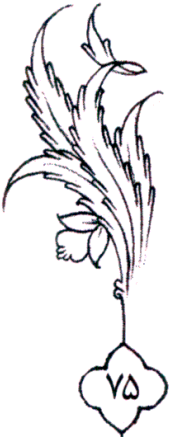


سفارش کرد. آری، صبر در برابر شدائد و سختیها مایه نجات و فرج است. حضرت موسی (ع) در آخر کلام خود به یارانش نوید می دهد که خداوند صاحب ملک و سلطنت است و سنت او اینگونه است که حسن عاقبت را به کسانی از بندگان خود که از او بترسند اختصاص داده است می فرماید: ای بنی اسرائیل اگر تقوای الهی پیشه گیرید و از خداوند استعانت بجوئید و در راه او در سختی ها صبر کنید خداوند این سرزمین را که امروز در دست فرعونیان است به دست شما می سپارد و در آخر آیه آمده است که عاقبت از آن پرهیزکاران است و سنت خداوند همیشه بر این طریق بوده است. (موسوی همدانی، ۸، ص ۲۸۸-۲۸۷) از این آیه بدست می آید که نتیجه استعانت از خداوند و صبر در برابر شدائد، وراثت زمین است.

۴. هدایت

با تمسک به ریسمان محکم الهی و استعانت از او می توان هدایت به سوی صراط مستقیم را بدست آورد.

«وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران ۱۰۱) و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه در دامن وحی قرار گرفته اید، و آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابراین، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. خداوند در این آیه با تعجب به مؤمنان می گوید: شما چگونه به خداوند کفر ورزیدید؟ علت این تعجب این است که می فرماید زیرا در بین شما قرآن و پیامبران الهی وجود داشتند. برای نجات از وسوسه های دشمن و دور شده از پلیدی ها، و هدایت شدن به راه مستقیم، به آیات الهی متوسل شوید. هر کس به خداوند تمسک جوید خداوند هم او را هدایت می کند. (مکارم شیرازی، ۳، ص ۲۴)



استعانت و یاری خواستن از خداوند زمینه پیروزی بر دشمن کافر در میدان جنگ است. آیه قرآن می فرماید:

«وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...» (بقره، ۲۵۰) و هنگامی که در برابر (جالوت) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانۀ شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان! سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و داوود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود) جالوت را کشت. رمز موفقیت و کسب قرب الهی، قرار گرفتن در مشکلات و آزمونهای سخت الهی است و این امتحان به عنوان یکی از سنتهای الهی بر امت اسلام و امتهای پیشین بوده است و شدت سختی ها و مشکلات به حدی بود که طاقت مؤمنان تمام شده و از خداوند طلب یاری می کردند که در همان حین امداد ها و یاری خداوند به سوی آنان نازل می شد. (همان، ۲، ص ۱۰۲)

۶. عفت و عصمت

کمک خواستن از خداوند، سبب مصون ماندن از انحرافات جنسی و حفظ عفت و پاکدامنی است. در داستان حضرت یوسف (ع) آمده هنگامی که زلیخا نکوهش دیگران را دید زنان را جمع کرد تا حضرت یوسف (ع) را به آنان نشان دهد جلسه ای را تشکیل داد و حضرت به میان جمع آمد و از حیرت، زنان دست خود را بردند و زلیخا گفت: اگر خواسته من را برآورده نکند دستور می دهم که او را زندانی کنند. حضرت به خداوند استغاثه کرد و فرمود: پروردگارا، زندان برای من بهتر است از آن چیزی که من را به آن می خوانند و اگر نیرنگ آنها را از من دور نکنی من به آنها متمایل می شوم و از جاهلان خواهم شد. خداوند هم استغاثه او را قبول و دعایش را مستجاب کرد و نیرنگ آنان را به خودشان برگرداند و با این استعانت حضرت عفت و پاکدامنی خود را حفظ



کرد. آیه می فرماید:

«فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یوسف/۳۴) پروردگارش

دعای او را اجابت کرد؛ و مکر آنان را از او بگردانید؛ چرا که او شنوا و داناست!

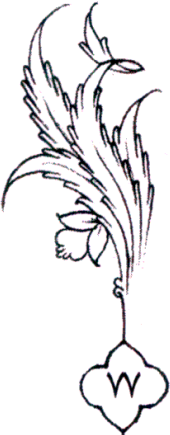
۷. نجات از قتل (رهایی بنی اسرائیل از کشته شدن)

فرزندان بنی اسرائیل بی رحمانه بوسیله فرعونیان کشته می شدند و آنها از خداوند برای نجات از قتل، طلب استعانت و عرض استمداد می کردند. فرعون تصمیم گرفت که فرزندان پسر بنی اسرائیل، که متولد میشوند را به قتل برساند. مردم از این قضیه نگران بودند حضرت موسی (ع) به آنان فرمود: از خداوند یاری بجوئید و صبر پیشه کنید که خداوند زمین را میراث بندگان خود قرار داده است و آنان زمین را به ارث می برند. سیاق آیات اشاره دارد که خداوند فرعونیان را گرفتار قحطی و تنگی معاش و آفت برزراعت و کشت آنان مبتلا کرد.

آیه می فرماید: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَالْهَتَكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف/۱۲۷)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلطیم!» «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوئید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

هنگامی که نوح نجات خویش و خاندانش را از ستم و آزار قوم خود از خداوند خواستار شد خداوند بهترین پاسخ را به او داد و او را از سختی بزرگی نجات بخشید خداوند در آیه زیر می فرماید: «وَنَجِّنَا وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمْ



الْبَاقِينَ» (صافات/ ۷۶-۷۷) و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم. و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم.

۸. امان یافتن از عذاب الهی

انسانهای مؤمن در اثر حسن انجام وظیفه، مستحق الطاف و دستگیریهای خاصی از جانب خداوند می گردند که به آن امداد غیبی می گویند. این امدادها گاه به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت و گاه به صورت الهام و هدایت تحقق می پذیرد. پیامبران الهی نیز به عنوان مصداق کامل ایمان، غالباً نیروهای انسانی و مادی اندکی را در میدان مبارزه در اختیار داشتند لذا خداوند آنان را با نیروهای غیبی کمک می کرد و راه را برای آنان هموار می ساخت. (سبحانی، منشور جاوید، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۲۵) هم چنان که در مورد حضرت نوح آمده است که:

«وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» (انبیا/ ۷۶) و (یاد کن حکایت) نوح را که پیش از این (خدا را به یاری خود) خواند، ما هم او را پاسخ دادیم و او و اهل بیتش (و گرویدگانش) را از اندوه و بلای سخت (طوفان) نجات دادیم. «وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ» (انبیا/ ۷۷) و او را بر دفع آن قومی که آیات ما را تکذیب کردند نصرت دادیم، که آن قوم بسیار بدکار (و کافر) بودند و ما همه آنها را یکسر (به طوفان) غرق کردیم. هنگامی که حضرت نوح (ع) به خاطر کفر ورزی و سرپیچی قومش دچار اندوه و ناراحتی شدیدی گردید دست نیاز و یاری به سوی خداوند دراز کرد در پی این استغاثه، امداد الهی شامل حال او گردید و با قدرت لایزال الهی، تمامی کافران روی زمین به واسطه عذاب الهی از بین رفتند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۳۳۶)

۹. رفع گرفتاری

با توجه به آیات قرآن، استغاثه به پروردگار، عامل مهمی برای رفع سختیها و مشقت



انسانها به حساب می آید خداوند در این آیه به پیامبر (ص) می فرماید: «قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْكِرُونَ» (انعام/ ۶۴-۶۳)

بگو: آن کیست که شما را از تاریکی های بیابان و دریا نجات می دهد گاهی که او را به تضرع و زاری و از باطن قلب می خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکرگزار او خواهیم بود؟ بگو: خداست که شما را از آن تاریکی ها نجات می دهد و از هر اندوهی می رهند، باز هم به او شکر می آورید.

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» (نمل/ ۶۲)

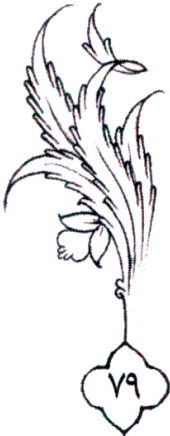
یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می شوید! زمانی که برای انسان گرفتاری پیش می آید و تلاشهای او و دوستانش برای رفع آن نتیجه بخش نمی شود، در این هنگام به طور حقیقی از اسباب و عوامل ظاهری ناامید گشته و با تمام وجود خداوند را یاری می طلبند از آنجا که این استغاثه و دعا از عمق دل و با درماندگی حقیقی صورت می گیرد در پی آن، نجات و گرفتاری از جانب خداوند تبارک برای او حاصل می شود. (طباطبایی، ۱۵، ص ۳۸۱)

آثار و نتایج استعانت از غیر خدا

همانطور که استعانت از خداوند دارای آثار و نتایجی است استعانت از غیر خدا نیز آثار و نتایجی دارد از جمله:

۱. عدم اجابت و یاری

خداوند در آیه زیر می فرماید: کسانی که غیر او را می خوانند آنها نمی توانند یاریشان کنند آنها حتی توان یاری خود را هم ندارند چه رسد به اینکه بخواهند به دیگران مدد



رسانند. خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ» (اعراف/۱۹۷) و آنها کسی را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند؛

۲. هلاکت و نابودی

خداوند در قرآن می فرماید استمداد از غیر خدا به جز خسارت و تباهی چیزی را به همراه ندارد.

«وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ» (هود/۱۰۱) ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشان ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند!

۳. عقوبت

جزای کسی که از غیر خداوند استعانت می جوید عقوبت الهی است و خداوند درباره مشرکان در آن هنگام که استعانت می جویند و فریاد رسی را می طلبند می فرماید: پاسخ استعانت از آنان، عذاب الهی است.

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا» (کهف/۲۹) بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می خواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سرپرده اش آنان را از هر سواحاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است!



در جریان داستان حضرت یوسف (ع) چنین نقل شده که حضرت یوسف (ع) هنگامی که از عزیز مصر درخواست آزادی کرد جبرئیل بر او نازل شد و چنین گفت: چه کسی تو را زیباترین خلق زمانت قرار داده است و چه کسی تو را محبوب پدر کرد؟ فرمود: «انت یارب» جبرئیل در پاسخ گفت: «وجعل لك عقوبة فی استعانتك بغیره فلبث فی السجن بضع سنین». (مجلسی، ۹۱، ص ۱۹) خداوند به لحاظ توجهی که به غیر کردی بر تو عقوبتی قرار داد و آن طولانی تر شدن مدت زندان است.

۴. از دست دادن منزلت در پیشگاه خداوند

کسی که غیر از خداوند متعال را تکیه گاه خویش قرار داد ارزش و منزلتش را نزد خداوند از دست می دهد. خداوند می فرماید کافران را به دوستی نگیرید چرا دوستی مومنان را رها کرده به دنبال دوستی کافران میروید آنها دشمنان خداوند و رسول (ص) و مومنین هستند. اگر کسی با آنها دوستی کند خداوند او را رها کرده و چنین شخصی نزد خداوند متعال ارزش و منزلتی ندارد. آیه زیر اشاره به این موضوع دارد:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران / ۲۸)

نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و از کافران دوست گزینند، و هر که چنین کند رابطه او با خدا مقطوع است مگر برای در حذر بودن از شر آنها (تقیه کنند). و خدا شما را از (عقاب) خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.

۵. ذلت و خواری

یکی از آثار و نتایج استعانت از غیر خداوند ذلت و خواری است زیرا عزت تنها از آن خداوند است باید آن را از خداوند طلب کند و غیر او هم اگر عزتی دارند خداوند به آنها عطا کرده است. حال اگر کسی از درگاه الهی استعانت بجوید خداوند او را یاری کرده و به او عزت می دهد. زیرا تمامی عزت ها به دست خداست و برای غیر، عزتی باقی



نمی ماند. خداوند می فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (فاطر/۱۰) کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد؛ و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (وتلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)!

نتیجه گیری

استعانت یعنی طلب کمک و یاری از کسی یا چیزی برای رسیدن به مقصود است. استعانت زمانی به کار می رود که قدرت فرد برای انجام آن کار، کافی نباشد بنابراین از دیگران کمک می گیرد تا اینکه به مقصود و هدف خود برسد. حال این استعانت انواعی دارد: استعانت حلال و مباح، استعانت حرام. استعانت حلال یاری گرفتن از خداوند و افراد و وسایلی که خداوند متعال اذن به کمک و یاری از آنها داده است. زمانی که از این وسایل، با این اعتقاد استفاده شود که آنها مستقل از خداوند نبوده و هر نیرو و قدرتی که دارند به حول و قوه الهی است این استعانت مجاز و قرآن هم به آن امر کرده است. چنین استعانتی حلال و مباح است. خداوند در آیه زیر امر به استعانت از وسایل کرده است:

«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» خداوند می فرماید به سوی من از وسایل استعانت جوئید. اما زمانی که از دیگران برای انجام کار حرام، کمک بخواهیم این استعانت حرام است. خداوند در آیه زیر می فرماید: از یکدیگر برای کار گناه و تعدی استعانت نجوئید. «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» یعنی این یاری کردن مجاز نیست و حرام است.

دلیل اینکه باید از وسایل استعانت جست خود آیه قرآن است که می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» برای تقرب به درگاه الهی از وسایل استفاده نمایید. انسان به دلیل ضعف و ناتوانی که دارد نمی تواند به تنهایی به هدف برسد بنابراین نیاز است که از وسایلی



استعانت بجهت و از طرف دیگر از آنجایی که انسان موجود اجتماعی است و نیازهایی هم دارد به تنهایی و بدون کمک گرفتن از دیگری نمی تواند این نیازها را برآورده کند. بنابراین احتیاج به تعامل با دیگران دارد تا بتواند در زندگی موفق باشد. گذشته از این موارد خداوند امر به این استعانت از وسایل کرده است. و این وسایل واسطه بین خداوند و انسانها هستند و باعث تقرب انسان به خداوند می شوند. و راه رسیدن به هدف، که همان خداوند متعال است را برای او آسان و هموار میکنند. این وسایل می تواند صبر، نماز، قرآن، مؤمنان، بهشتیان و... باشد. توحید در استعانت یعنی اینکه فقط باید از خداوند متعال یاری جست. طبق آیه ۵ حمد استعانت از دیگران روا نیست و استعانت منحصر در خداوند است اینکه استعانت منحصر در خداوند است سخنی است درست ولی در عین حال آیاتی وجود دارد که می فرماید: همدیگر را یاری کنید «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» اینها چگونه قابل حل هستند؟ می گوئیم استعانت منحصر در خداوند است طبق آیه ۵ سوره حمد، این حصر استعانت هیچ منافاتی با استعانت از غیر خداوند ندارد. با توجه به توحید افعالی همه کارهای نیک افراد نیکو کار به خداوند متعال برمی گردد. زیرا تمام افعالی که هر فاعلی انجام می دهد از ذات باری تعالی سرچشمه می گیرد. و انسان هیچ نیرویی از خود ندارد همه قدرتی که دارند از رحمت بی انتهای الهی است. و اگر خداوند امر به استعانت از دیگری کرده و ما از آنان یاری می طلبیم با این اعتقاد است که آنان مستقل از خداوند متعال نیستند. و هر یاری که می توانند به دیگران برسانند از خداوند متعال گرفته اند. از جانب خودشان نیست و اگر خداوند لحظه ای عنایت خود را از آنان بگیرد یاری کمک رسانی به دیگران را ندارند.

به وسیله ادله عقلی و نقلی میشود توحید در استعانت را اثبات کرد. ادله عقلی از طریق صفات مستعان و ادله نقلی نیز با آیات و روایات قابل اثبات است. استعانت از خداوند متعال دارای آثار و نتایجی است که اگر انسان از خداوند طلب کمک و یاری



کند به آنها پاسخ می دهد از جمله این نتایج: اجابت و پاسخگویی، هدایت، امداد غیبی، وراثت زمین، پیروزی صبر، عفت و... است یعنی اگر شخصی خداوند متعال را بخواند و چیزی را از او مسألت نماید بدون شک خداوند به سؤال او پاسخ می دهد. زیرا خود خداوند می فرماید: «ادعونی استجب لکم» مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در مقابل، استعانت طلبی از غیر خدا هم آثار و نتایجی دارد اگر کسی از غیر خداوند کمک بخواند نتیجه ای که بدست می آورد چیزی جز ضرر و زیان او نخواهد بود. از جمله این نتایج: عدم اجابت و یاری هلاکت و نابودی، عقوبت، ذلت و خواری و... است. همه این موارد، نتیجه این است که انسان از خداوند که مستعان حقیقی است روی برگردانده و به غیر او توجه کرده است که این توجه چیزی جز زیان و ضرر برای فرد مستعین ندارد. حال باید دید در چه اموری باید از خداوند استعانت جست؟ استعانت از باری تعالی فقط منحصر به عبادت او نیست بلکه باید در همه امور از خداوند که مستعان حقیقی است استعانت جست و قید خاصی برای استعانت از خداوند وجود ندارد.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای
- ۲- ابن حنبل، احمد، مسند احمد بن حنبل، بی چا، دارصادر، بیروت، بی تا
- ۳- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بی چا، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، چاپ چهارم، اسرا، قم، ۱۳۸۳ ش
- ۵- خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی چا، دارالثقلین، قم، ۱۳۸۴ ش
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، بی چا، دارالعلم الدار الشامی، بیروت، ۱۴۱۲ ق
- ۷- زکریا، احمد بن فارسی، معجم مقاییس اللغه، عبد السلام محمد هارون، بی چا، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق
- ۸- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، چاپ اول، موسسه امام صادق، قم، ۱۳۸۳ ش
- ۹- سبحانی، جعفر، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، چاپ هفتم، موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۳۳ ق
- ۱۰- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بی چا، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق
- ۱۲- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق
- ۱۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، بی چا، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش
- ۱۴- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بی چا، دارالملاک للطباعه والنشر، بیروت، ۱۹۱۴ ق
- ۱۵- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ ش
- ۱۷- مترجمان، ترجمه مجمع البیان، بی چا، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جمعی از محققان، چاپ پنجم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- ۱۹- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بی چا، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
- ۲۰- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بی چا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش
- ۲۱- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (۲)، بی چا، صدرا، تهران، ۱۳۸۷ ش
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش
- ۲۳- موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، بی چا، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ ش





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی